بسم‌الله الرحمن الرحیم

[استدلال به آیه نفر 2](#_Toc433904895)

[مرور بحث گذشته 2](#_Toc433904896)

[تشریح بحث 2](#_Toc433904897)

[معنی حذر 2](#_Toc433904898)

[نتیجه‌گیری 2](#_Toc433904899)

[معنی لعل در این آیه 3](#_Toc433904900)

[ترجی در قبال خداوند 3](#_Toc433904901)

[مجازیت یا حقیقیت استعمال لعل در این باب 4](#_Toc433904902)

[نتیجه‌گیری 4](#_Toc433904903)

[اتخاذ مبنا 4](#_Toc433904904)

[مناشئ تردد در لعل 4](#_Toc433904905)

[احتمال اول 4](#_Toc433904906)

[احتمال دوم 5](#_Toc433904907)

[جمع‌بندی 5](#_Toc433904908)

[اتخاذ مبنا 5](#_Toc433904909)

# استدلال به آیه نفر

# مرور بحث گذشته

بحث در ادله جواز تقلید و حجیت قول مفتی برای مقلد بود، به آیه شریفه نفر رسیدیم. مطالبی دراین‌باره به ترتیب نقل شد تا رسیدیم به نکاتی که در باب انذار بود. اما نکته‌ای که محل استدلال است، این بوده که شاید بر حذر باشند. در آیه دو تکلیف محل بحث قرار گرفت؛ تفقه و انذار. یعنی بعدازاینکه به نحو وجوب کفایی صاحب‌نظر شدند، انذار کنند.

لذا تفقه برای انذار بود و انذار و درنتیجه هر دو برای این است که کسانی حذر کنند، متنبه شوند و بدان عمل کنند. لذا نکته نهایی و غایت این روند، بر حذر شدن است.

## تشریح بحث

در اینجا چند نکته وجود دارد که سرنوشت استدلال به این آیه بدان‌ها گره‌خورده است که همانند آقای خویی بتوان به این آیه استدلال نمود و یا مانند آقای حائری قائل به عدم امکان استدلال به این آیه برای موردبحث شد.

در نقطه نهایی آیه چند مطلب وجود دارد؛

## معنی حذر

یک نکته در قبال حذر است، این واژه به معنی خوف است، اما دو کاربرد دارد؛ گاهی منظور از آن حالت نفسی است که به آن خوف و رعب اطلاق می‌شود. اما معنی دوم که آن در اینجا مدنظر است خوف عملی است چراکه در مسائلی که دین برای بشر اتیان نموده است، تخلف از آن‌ها برای او خوف نفسی را رقم می‌زند که آن به حذر عملی او کشیده خواهد شد.

## نتیجه‌گیری

در آیه شریفه **«فَلْیحْذَرِ الَّذینَ یخالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ آن تُصیبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ یصیبَهُمْ عَذابٌ أَلیم» [[1]](#footnote-1)**

مراد همین است. لذا در بسیاری از موارد حذر در مورد عملی به کار می‌رود و مناسبات در آیه همین امر را نشان می‌دهد که این وجوبات مطرح در آیه برای ترس محض نیست بلکه برای پایبند شدن آن‌ها به تعلیمات عملی است.

## معنی لعل در این آیه

اما نکته دوم در این بخش این است که لعل در اینجا به چه معناست. در اینجا بیان‌شده است که لعل از ادات تمنی و ترجی است. تمنی حالت انفعالی است که در شخص حاصل می‌شود و از مقوله احساسات و هیجانات است و با نوعی از تأثر بیرونی و تقلب حال همراه است.

مطلب دیگر این است که ترجی همراه با نوعی عدم علم است و در آنجا حالت احتمال، تردد وجود دارد. روشن است که در باب خداوند این ادات به معنی حقیقی خود به کار نمی‌رود.

## ترجی در قبال خداوند

نکته دوم نیز به‌طریق‌اولی و اوضح معقول نخواهد بود. بنابراین حقایق لفظی که مشتمل بر نوعی انفعال نفسانی و عدم علم است از ساحت خداوند به دور است. در اینجا این مفاهیم به معنی مطلوبیت مدخول برای خداوند متعال است. البته این مطلوب نیز این‌گونه نیست که همیشه واقع شود از این نظر که معلوم نیست این شخص به آن امر پایبند باشد که محقق شود یا خیر؟ لذا به معنی عدم علم در قبال حق‌تعالی نیست.

## مجازیت یا حقیقیت استعمال لعل در این باب

اما سؤال جدی در اینجا این است که این استعمال در قبال خداوند مجاز است یا حقیقت بوده اما به اختلاف داعی است که ابداع ایشان نیست و علماء بلاغت نیز سابقاً آن را داشته‌اند و شبیه همان بعث و زجر در امر است که گاهی برای تعجیز به کار می‌رود همانند آیه شریفه **«وَ آن کنْتُمْ فی رَیبٍ مِمَّا نَزَّلْنا عَلی عَبْدِنا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ»[[2]](#footnote-2)**

در اینجا بعث است ولی داعی متفاوت خواهد بود.

## نتیجه‌گیری

این مطلب مورد تأیید ارتکاز بوده و از مجازیت خارج است. حمل بر داعی حقیقی از موضع له استفاده نگشته بلکه از قرائن استفاده‌شده است. اما در اینجا چند ملاحظه است که یکی از آن‌ها این بوده که همیشه لازم نیست بدین شکل باشد بلکه امکان آن وجود دارد و گاهی نیز حالت اول پیداکرده و معنای بعث انشائی به ذهن خطور نمی‌کند.

## اتخاذ مبنا

در اینجا نیز بدین شکل است چراکه گاهی گفته می‌شود ترجی خداوند دیگر ترجی نیست، اما حالت طبیعی استعمال آن‌ها این است که داعی نیز ترجی است ولی در قبال خداوند باید گفت که ترجی انشائی است ولی در اینجا این دو ویژگی در قبال خداوند صادق نیست.

### مناشئ تردد در لعل

### احتمال اول

مطلب سومی که در اینجا وجود دارد، این است که معلوم شد که ترددی در ترتب حذر بر انذار در آیه شریفه وجود دارد، لذا همواره حذر مترتب بر آن نخواهد بود، این امکان، در لعل موجود است. این شاید، یا به خاطر این است که او مختار است و ممکن است شیطان مانعی را برای او به وجود آورد، این‌یک احتمال است که طبق آن حذر مطلوب است و فقیه باید وظیفه خود را انجام دهد. در این صورت استدلال به آیه بسیار قوی خواهد شد.

### احتمال دوم

شبیه آیات بسیاری که از این قبیل است، اما احتمال دوم این است که تردد می‌تواند از حیث‌های دیگر نیز ناشی شود مانند اینکه برای ن فرد اطمینانی حاصل نمی‌شود و برای فرد شبهه‌ای وجود دارد که آن برای او تمامیت و حجیت پیدا نمی‌کند. در این صورت، استدلال گذشته کاملاً فرو خواهد ریخت. چراکه استلزام عمل از آن استخراج نخواهد شد.

### جمع‌بندی

بنابراین در اینجا سؤال این است که منشأ این تردد حاصل در آیه در اینجا چه امری بوده است؟ آیا از سوء سریره فرد و وسوسه شیطان است یا اینکه حجیت بر فرد حاصل نشده است یا راه احتیاط بر او بسته نشده است؟ درحالی‌که باید در حذر الزام وجود داشته باشد تا استدلال تمام شود.

### اتخاذ مبنا

در اینجا به نظر می‌آید که پذیرش احتمال اول نیازمند مئونه دارد و به اطمینان زیادی نیاز دارد. هرچند که اشعار آیه بدین حالت بوده و حالت ترجیحی دارد. چراکه ممکن است آیه می‌خواهد بفرماید گروهی فقیه شوند تا بستری بر حذر دیگران فراهم شود. لذا به قاطعیت کلام برخی مانند آقای حائری مطلبی را بیان نمی‌کنیم و تردید مانع از استدلال می‌شود.

بحث دیگری نیز در این رابطه وجود دارد که ان شاء الله فردا بیان خواهد شد.

1. النور / 63 [↑](#footnote-ref-1)
2. البقرة / 23 [↑](#footnote-ref-2)